

# قرآن و حوزه

و مسائل روز

مصاحبه‌ای فقهی اجتماعی با  
آیت الله العظمی صادق تهرانى  
در سال ۱۳۸۰

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• به نظر جنابعالی یک حوزه‌ی مطلوب و متعالی چه انتظاراتی را باید بر آورده نماید؟<sup>۱</sup>  
قطعاً منظور حوزه اسلامی است و این حوزه باید براساس معارف قرآنی باشد؛ حوزه‌ای که خالی از قرآن است خالی از اسلام است؛ زیرا اسلام حقیقی اسلامی است که بر محور قرآن است و البته سنت و عترت هم در طول قرآن است، نه در عرض آن، به دلیل «لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا» (کهف/۲۷) (هرگز جز کتاب پروردگارت پناهگاهی نخواهی یافت) ولی روایات اسلامی اعم از روایات منقول از شیعه و یا سنی بعضاً دارای تناقض، جعل، تقیه و تقطیع است. و بدین جهت قبل از عرضه آنها به قرآن، سند روایت مهم نیست. بنابراین آن گونه که با قرآن مواجه می‌شویم - که تحریف لفظی هرگز در آن راه ندارد - نمی‌توان به تعدادی از روایات اسلامی اعتماد کرد.

و اگر ما هم از روایات استفاده می‌کنیم یا احادیثی است که موافق قرآن است یا نه موافق است نه مخالف، مانند احادیثی که دلالت می‌کنند بر وجوب هفده رکعت نماز یومیه که باید از نظر سند قطعی باشد چون از قرآن می‌آموزیم که «و لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء/۳۶) : (آنچه را که نسبت به آن، برایت دانشی نیست پیروی مکن).

حوزه اسلامی، حوزه‌ای است که بایستی بر محور اصیل و زیربنایی قرآن تأسیس بشود و در آن درس، بحث‌ها و مطالعات، بر محور اصلی قرآنی باشد. از چنین حوزه‌ای انتظار کل معارف مورد احتیاج مکلفین را باید داشته باشیم یعنی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ابعاد فردی که مورد نیاز مکلفین است باید نظر دهد.

لکن اگر حوزه‌ای این گونه نباشد فلسفه‌اش، منطقی، عرفانش، فقهش و حتی ادبیاتش دچار تناقضات است؛ از چنان حوزه‌ای انتظاری جز گمراه شدن و گمراه کردن، تضاد و تناقض نمی‌توان داشت و از چنین فقهی در رساله‌های علمیه‌اش چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم جز تناقضاتی که اکثر آنها را در «توضیح المسائل نوین» نقد کرده‌ایم.

این جمله شاید تلخ باشد ولیکن در بُعد واقع موجب آگاهی است. فقهی که مبنای قرآنی نداشته باشد و براساس صحیح و حیانی و عقلانی بنا نشده باشد منحرف است؛ چرا که اگر مسلمان با دیده مسلمانان بنگرد به کفر نزدیک می‌شود و اگر کافر بنگرد کفرش فزونی می‌یابد.

از این جهت گروه‌های زیادی از مردم روشنفکر و روشن بین مُردَدند و می‌گویند این چه اسلامی است که برخلاف عقل و حس و برخلاف علم، رأی می‌دهد که مثلاً اقوی چنین است احوط چنان است.

النهاییه ما دو روش در شناخت دین داریم: روش صحیح قرآنی و روش ناصحیح غیر قرآنی .

• وضعیت فعلی حوزه علمیه تا چه حد با ایده آل مورد نظر شما هماهنگی دارد؟  
درصدی بسیار کم! اگر از من سؤال کنند شما که اینطور به حوزه انتقاد می‌کنید پس چرا مدت شصت سال است در حوزه‌ها حضور دارید؟ درس می‌خواندید، اکنون هم درس می‌دهید و تحقیق می‌کنید؟  
عرض می‌کنم بنده تا به حال با دو چشم به حوزه‌ها نگریسته و می‌نگرم. اول با چشم راست که چشم اصلی است و بر محور قرآن شکل یافته؛ و بعد با یک چشم حاشیه‌ای.

در نتیجه علوم متداول حوزه را به خوبی دریافت نمودم نه از آن جهت که کاملاً آنها را بپذیریم بلکه برای قبول بعضی از مطالب و ردّ برخی از مطالب آن به وسیله عرضه آنها بر قرآن، تا قسمتی را که بر صراط قرآن و سنت قطعی و عقل سلیم و بر صراط علم مطلق است بپذیریم و با سایر اضافات و انحرافات مبارزه نمایم.

من در این مسأله تقیه ندارم که اگر محوریت قرآنی بطور کامل در حوزه‌ها رواج یابد فقه حوزوی و اصول، عرفان، منطق و فلسفه اش و غیره به مقدار قابل ملاحظه ای تغییر می‌کند.

بنده یک رساله عملیه نوشته‌ام نه بدین خاطر که از من صرفاً تقلید کنند بلکه رساله‌ای ارائه داده‌ام متفاوت با رساله‌های موجود از چند جهت. این رساله را بر محوریت آیات قرآنی تدوین نموده‌ام تا کسی که مسائل آن را می‌خواند تقلیدش آگاهانه باشد و از نظر استدلالی دریابد که مثلاً فلان مطلب در فلان باب چنین است به دلیل این آیه و چنان است به دلیل آن آیه.

۱- مصاحبه آقای پور رضایی به نمایندگی از روزنامه توسعه در تاریخ ۱۴/۵/۱۳۸۰ با حضرت آیت الله العظمی صادق تهران‌ی «دامت برکاته»

همچنین بیشتر سنن قطعیه را در «تبصره الوسيله» آورده‌ام. ضمناً در پاورقی هم برای این که زیاد جنجال و هیاهو نشود آرای متقدمین و متأخرینی را که با این فتاوی قرآنی هم نظر بوده‌اند، یادداشت نموده‌ام البته تا جایی که امکان داشته است.

به عنوان نمونه فرض کنید در باب آب کُر - که من عقیده‌ای به کُریت ندارم و نظرم این است که در صورت غالب شدن آب بر نجاست، طهارت انجام می‌گیرد - آورده‌ام که سید مرتضی «اعلی الله مقامه» و چند نفر از علمای دیگر هم بدین صورت فتوا داده‌اند.

البته لزومی ندارد که ذکر شود چون استدلال به کتاب و سنت کافی است؛ این‌ها را قید کردم تا زیاد وحشت نکنند و نیز نگویند که سخن بی‌حسابی است.

یا حتی در باب وضو عقیده بنده این است که براساس کتاب و سنت شستن دست‌ها، هم به طریق اهل سنت صحیح می‌باشد و هم به طریق شیعه.

این رأی برخلاف نظر غالب علمای تسنن و تشیع می‌باشد ولیکن برخی از علما در این زمینه متفق القول اند اما در حکم مسح پا، هم سنی خطا کرده که می‌شوید و هم شیعه که مسح با یک انگشت را جایز می‌داند، منتها خطای سنی بیشتر است. حال آنکه تنها مسح صحیح، مسح کامل روی پاست، عرضاً و طولاً، از سر انگشتان تا برآمدگی اول از هر پا. یا در باب ارث زن نوعاً آقایان فقها فتوا داده‌اند که زن فقط از قیمت ساختمان مسکونی ارث می‌برد ولی از زمین، نه از نظر قیمت و نه از عین آن ارث نمی‌برد.

ما در اینجا استدلال به آیاتی قرآنی کردیم که زن از کل ما ترک مرد ارث می‌برد؛ از اعیان، از حقوق مالی و ... به دلیل قرآن و سنت؛ در این مسأله، بین فقها شش رأی هست که از جمله‌ی آراء این است که زن از کل ما ترک مرد ارث می‌برد. ما در کل ابواب فقه از این قبیل مسائل زیاد داریم که در دسته خیلی بالایش ما رفیق و همراه داریم و در درصد کمی مانند نماز مسافر، خیر. یعنی نماز را در سفر فقط در صورت خوف از کیفیتش و نه از کمیتش، می‌کاهیم ولی در عصر حاضر معمولاً خوفی در کار نیست. پس نماز مسافر، همه جا کامل است.

یکی از دوستان شنیده بود که نظرات قرآنی ما در «تبصره الفقهاء» جمع است - البته «تبصره الفقهاء» کتابی است که به صورت نقد نوشته‌ام بر کتاب «تبصره المتعلمین» علامه حلی «رحمه الله علیه» و حدود ۹۰۰ صفحه است و به بیش از هزار آیه استدلال کرده‌ام - ایشان می‌گفت که بنده پانصد و چهل فتوا دارم به استناد قرآن که یا نقد بر شیعه است یا نقد بر سنی یا بر خلاف هر دو.

#### • جنبش اصلاحات چه رهاوردی برای حوزه‌های علمیه داشته است؟

اصلاح طلبی با مفهوم جدیدش، یک بعد سیاسی دارد و یک بعد اسلامی. ما نه در بعد سیاسی، آن را کلاً قبول داریم و نه در بعد اسلامی، چون که خطاهایی کلیدی دارد و تنها راه اصلاحات صحیح، اصلاحات قرآنی است که باید از درون حوزه‌های علمیه آغاز شود و در مرحله اول، حوزه نباید وابسته به هیچ قدرتی باشد. تا بتواند با رهبری شورایی، جامعه را به صلاح، قولاً و عملاً دعوت نماید.

#### • توقع شما به عنوان یک شخصیت حوزوی از اصلاح طلبان داخل و خارج حاکمیت چیست؟

البته بنده حوزوی صرف نیستم بلکه حوزوی‌ای هستم که همه چیز را به قرآن عرضه می‌کند و آنگاه نسبت به سنت، تعبد آگاهانه دارد، در هر صورت چنانچه توقع از حوزه است که قرآنی و مردمی باشد توقع از کارگزاران نیز همین است که اسلامی و مردمی باشند یعنی بر مبنای اصالت قرآن و سنت قطعیه با نظارت رهبری شورایی و در نظر گرفتن توقعات مشروع مردم، وظایف خود را انجام دهند.

#### • آیا بحث عینیت سیاست با دیانت را قبول دارید و آن را به معنی تصدی‌گری روحانیت در امور اجرایی می‌دانید؟

این دو قضیه‌ی مجزاً از هم است. سؤال اول این است که آیا اصولاً سیاست با دیانت عینیت دارد یا نه؟

سیاست یعنی رهبری، و رهبری یا رهبری رحمانی و ربّانی می‌باشد یا رهبری شیطانی، و یا تلفیقی از هر دو. در این مثلث، رهبری ربّانی عین دیانت است و رهبری شیطانی ضد دیانت؛ و رهبری التقاطی، مقداری از آن صحیح و قسمتی از آن نادرست است. ما در زیارت جامعه می‌خوانیم که «و سَأَسْأَلُ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ» امامان معصوم (ع) سیاستمداران مجتمعات اسلامی محسوب می‌شوند که منظور در اینجا سیاست ربّانی است. این سیاستمداران معصوم و پیروان مخلص آنان برای رسیدن به قدرت یا ماندن در آن به هیچ دروغی متوسل نمی‌شوند و هرگز آن را مصلحت نمی‌دانند. چنانکه امیرالمؤمنین

(ع) با شنیدن اولین پیشنهاد مصلحت‌گرایانه که نتیجه‌اش تثبیت قدرت آن حضرت به بهای کنار گذاشتن مقطعی عدالت بود، فرمود: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ»: (آیا به من فرمان می‌دهید که پیروزی را با ستم بخواهم؟!)

متأسفانه لغت سیاست ملکوک و معیوب شده چون سیاست‌ها نوعاً شیطانی است کما اینکه استعمار و استعمارچین سرنوشتی دارند. استعمار چون نوعاً ظالمانه است لکه‌دار شده. لکن قرآن می‌فرماید: «...و اسْتَعْمَرَ كُمْ فِيهَا...» (هود/۶۱) یعنی خدا شما را در زمین استعمار کرد. استعمار خدا فاضلانه و عادلانه است. خدا زمین را خلق کرد کل زمینی‌ها، آب و... را خلق کرد و شما را وادار کرد به نفع خودتان آن را آباد کنید. این عمل فاضلانه است یعنی به دنبال عدالت و برتر از آن است. ولی لفظ استعمار از این جهت مذموم گشته که استعمارگران در گذشته معمولاً با این نام ستم نموده و مردم را به بیگاری وادار کرده‌اند یا اکنون در شکل تزویر بر مردم حکمرانی می‌کنند. داستان لفظ سیاست هم چنین است در حالی که سیاست ربّانی در یکی از ابواب فقهی ما که باب امر به معروف و نهی از منکر است متجلی است.

ما در امر به معروف، هم معروف فردی داریم هم معروف اجتماعی؛ در نهی از منکر نیز، هم منکر فردی داریم هم منکر اجتماعی. اگر معروفات اجتماعی و فردی تحت رهبری شورایی فقیهان بر محور قرآن، قرار گیرد و اشاعه یابد و از محرمات فردی و اجتماعی دوری گزیده شود در واقع سیاست ربّانی پیگیری شده‌است کما اینکه انبیاء (ع) همین طریق را پیموده‌اند. آری، پیشوایی مسلمانان باید بر پایه حاکمیت قرآن استوار باشد. چنانکه امام حسین (ع) در نامه‌ای به مردم کوفه اینگونه مرقوم فرمودند: «...فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ...» (بحار، ج ۴۴، ص ۳۳۵): «به جانم سوگند کسی حق پیشوایی ندارد جز آنکه بر اساس کتاب خدا حکم کند».

پس یکی از شرایط مسلمان قویّ امین این است که همان طوری که خود به واجبات عمل نموده و از محرمات دوری کرده‌است، در حد استطاعت به سازماندهی عقیدتی و عملی مجتمعات بر مبنای قرآن و سنت هم بپردازد. تا اجتماع، محرمات را - چه از حیث افراد و چه از حیث حکومت - کنار گذارد و به سوی معروف‌ها متمایل گردد. بنابراین سیاست رحمانی برخاسته از دیانت است؛ سیاست مثبت صادقانه با دیانت همراه است و سیاست منفی تزویر، ضد دیانت می‌باشد.

دربارهٔ بخش دوم سؤال شما باید بگویم که تصدی‌گری در جامعه تنها به شرط انتخاب تخصصی، از آن شایستگان متخصص است مناط این است شخصی که مسؤولیت دارد در هر یک از امور، تصدی تخصصی عاقلانه و اسلامی داشته‌باشد خواه روحانی باشد یا غیر روحانی، ولی همان طور که آقای خمینی فرمودند: روحانیان باید در پشت صحنه باشند و نظارت و ارشاد نمایند اگر خود روحانیون وزیر، وکیل و... بشوند اگر خوب هم کار نکنند به صلاح نیست چون بعضاً مردم اشتباهات آنان را به پای دین می‌نویسند. روحانیت به بیان دقیق‌تر شورای مرجعیت و رهبری باید تصدی امور معنوی را برعهده گیرند و شورای متخصصان امین هم تصدی امور اجرایی را داشته‌باشد و این دو باید توأم و همراه باشند. البته مشروط به اینکه فقط در چارچوب کتاب و سنت، کار انجام دهند نه براساس مصلحت گروهی و حزبی.

• تعریف شما از تفکیک نهاد دین از نهاد قدرت و استقلال حوزه چیست؟ و عدم تحقق این مطلب را متضمن چه مفاسدی می‌دانید؟

سیاست باید تابع دیانت باشد بنابراین قدرت روحانی، قدرتی است که باید بر مبنای قرآن، سنت، علم و معرفت باشد و این مبنا از جهت انجام تکالیف فردی و اجتماعی اصالت دارد و این اصالت در کل ابواب زندگی هم هست. سیاسیون باید سیاستشان تابع نظرات فقیهانهٔ شورای فقیهان باشد. و این شورا هم بایستی محور کارش فقط قرآن و سنت بوده و به نظرات مخالف با نصّ یا ظاهر پایدار قرآن، اعتنایی نکند. اصالت در دو بُعد از آن حوزه‌هاست: در یک بعد اصالت دیانت از جهات معرفتی و علمی برای کل جامعه، و بعد دیگر هم سیاست است، چون سیاسیون هم باید سیاستشان اسلامی و تابع جریان دینی باشد. حوزه‌ی اسلامی نباید تابع سیاست باشد حتی سیاست اسلامی، بلکه سیاست اسلامی باید تابع حوزه باشد. پس محور، حوزه است. اگر سیاست تابع حوزه صحیح قرآنی باشد هم سیاست درست است هم حوزه. ولی اگر حوزه تابع سیاست شد چنانچه سیاست غلط باشد حوزه غلط اندر غلط می‌شود و اگر سیاست صحیح هم باشد امکان دارد که به سوی انحراف کشیده شود چون ذات قدرت این اقتضا را دارد و نتیجتاً حوزه را منحرف می‌کند.

• به نظر می‌رسد که حوزه قبل از انقلاب از حیث نخبه پروری کارنامه درخشان تری نسبت به زمان حال داشته باشد علت این امر چیست؟

چون حوزه قبلاً استقلال داشت و الان استقلال ندارد و از سوی دیگر در این زمان ورود معتمّین در امور سیاسی پیش آمده؛ اینها قبلاً در حوزه به مباحثه و مطالعه مشغول بودند لکن بعد از انقلاب، هم سیاسیون روحانی و هم غیر سیاسیون

روحانی مشغول کارهای اجرایی و امور سیاسی شدند گروه اول حرفه ای بودند، گروه دوم نیز تابع آنان شدند تابع جریانات و نظرات سیاسی.

• در نظر گرفتن عنصر زمان و مکان و مصلحت که لازمه‌اش آشنایی و تعامل با چالش‌های نوین هر عصر می‌باشد اکنون به چه میزانی در حوزه گسترش یافته‌است؟

عنصر زمان و مکان در شناخت موضوعات مؤثر است اما هرگز حاکم بر احکام الهی نیست بلکه تابع احکام شرعی است و مصلحت هم در صورتی که عنوان ضرورت - به معنای عسر یا حرج را - نداشته باشد هرگز وجهه اسلامی ندارد. البته عالم اسلامی و فقیه باید اعمالش دو بُعدی باشد یک بعد در شناخت کتاب و سنت بکوشد و در بُعد دیگر بایستی عالم به زمان باشد، که امام صادق (ع) می‌فرماید: «العالمُ یزمانه لِاتَهْجُمَ علیه اللّوایسُ»: (کسی که به زمانش عالم است، اشتباهات فریبنده بر او هجوم نمی‌آورد) (بحار ج ۷۸ / ۲۶۹). ولی در هر دو بُعدی که عرض شد غفلت در حوزه بوده است البته مقداری حرکت داشته‌ایم لکن تا حد مطلوب فاصله‌ی زیادی داریم.

• از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید، تشکر می‌نماییم.

بنده نیز از شما ممنون هستیم. خدای متعال به ما و شما مداومت در اصلاح‌گری قرآنی عطا فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله

از محبان انقلاب قرآنی انتظار می‌رود در تکثیر و نشر این جزوه همکاری نمایند.

تکثیر از: جامعه علوم القرآن

قم، بلوار امین، کوچه ۲۱، پلاک ۷

تلفکس: ۰۲۵۱ - ۲۹۳۴۴۲۵